

متن پرسش

سلام استاد بزرگوار: از پژوهش‌ها و تامل‌های حضرتعالی در باب آزادی و حجاب بسیار بهره بردیم شاید بخاطر تاثیر عمیق تفکر حضرتعالی یا بخاطر داشتن منابع مشترک فکری، قبل از اینکه یادداشت حضرتعالی درباره نسبت حجاب و آزادی منتشر شود، متنی نوشته بودم و در گروه‌هایی مطالبی به اشتراک گذاشتم که با ۱۵ دقیقه پایانی جلسه چهارشنبه حضرتعالی اشتراک جدی داشت. عرض بنده این بود که در نسبت میان جمهوریت و اسلامیت، در بودن ایرانی، اسلامی و مدرن ما از آنجا که نظام ما در صدد اجرای اسلام است، هر جا که اسلام حدود اندیشه و عمل انسان را مشخص کرده، به آراء عمومی مراجعه نمی‌کند و قانون را بر اساس دین و البته با اجتهاد اهل فقهت و قانون وضع می‌کنند و با همه پرس‌و‌پرسی قانون اساسی کلیت آن به رای عمومی گذاشته شد. اما موقع اجرای قانون یا ممانعت از نقض قانون، نیازی نیست، تک تک افراد به منشا قانون ملتزم باشند، یعنی اقتضای ساختار اجتماعی مدرن و جمهوریت این است که وقتی مساله‌ای به شکل قانون در آمد، چه از اقلیتی باشیم که رای مثبت به نوع حکومت یا قانون اساسی نداده‌ایم، چه با منشا قوانین یعنی اسلام موافق نباشیم، باید ملتزم به قوانین باشیم. در مرحله تعقیب قانونی یا تذکر قانونی به کسی که قانون را اجرا نمی‌کند نه تنها لازم نیست بلکه نباید، سراغ منشا قانون بروند، کف خیابان و در مواجهه با فردی که قانون‌گریزی داشته حرف از اسلام و انگیزه‌های دینی زدن، نه تنها سازنده نیست که مخرب و مسدودکننده دشوارکننده مسیر تبیین فکری - در نسبت با افراد غیرملتزم به قانون - برای اهالی اندیشه است. باورمندی و ایمان، قابل پیگرد قانونی نیست، سلوک فردی است و باید به افراد مجال تفکر و پذیرش داد. امیختگی برخوردهای قانونی با عناوین دینی، مجال این سلوک را از افراد می‌گیرد، احساس تحمیل می‌کنند و کار برای کسانی که می‌خواهند، با رفق و مدارا کم و کاستی‌های و البته زیبایی‌های درونی فرد را به او متذکر شوند به شدت دشوار می‌شود. تحلیل‌م را عرض کردم تا بنده را به اشکالاتم آگاه کنید. از اینکه فرصت می‌گذارید و پاسخگوی سوالات ریز و درشت هستید بی نهایت ممنونم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! در امور اجتماع و تولد اجتماع در صد ساله اخیر، رعایت وظایف فردی کافی نیست. باید افراد متوجه وظایف اجتماعی خود باشند. وظایفی که موجب قوام اجتماع می‌شود که در این زمانه، قوام زندگی انسان جدید نیز به قوام اجتماع است و این‌جا است که باید افراد از این دیدگاه و از این زاویه متوجه جایگاه قانون باشند به عنوان قوانین زندگی. که متأسفانه بسیاری از مردم

ما متوجه این امر نیستند و میل به قانون‌گریزی در آن‌ها هست. باشد که آرام‌آرام به چنین هوشیاری برسیم که قوام زندگی به قوام رعایت قوانین است و نه گریز از قوانین، هرچند که رعایت آن قوانین سخت باشد. موفق باشید